

## بررسی ابعاد زیبایی‌شناختی موسیقی شعر شفيعی کدکنی در تطبیق با نقاشی معاصر

### چکیده

با وجود آنکه سبک‌شناسی، قدمتی چندهزارساله دارد، اما در دوره معاصر، نگاه به شعر و ادبیات، با تحول چشمگیری مواجه شد و بررسی سبک و اسلوب شعری نیز، با اصول و قواعد جدیدی، نظام‌مند گشت. از جمله مباحث سبک‌شناسی که مورد توجه ناقدان قرار داشت، بررسی موسیقی اشعار است که با بهره‌بردن از قواعد بلاغی کهن، به چهار نوع تقسیم شده است. محمدرضا شفيعی کدکنی یکی از ناقدان و ادباء برجسته‌ای که در این زمینه، صاحب‌نظر است. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی، درصدد است، اشعار این ادیب معاصر را، از حیث موسیقی شعر، مورد بررسی و تحلیل قرار دهد تا آشکار گردد، سروده‌های شفيعی کدکنی، از حیث موسیقی شعر، دارای چه انواع و ویژگی‌هایی است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که واژه‌ها و ترکیبات در برونه زبان او به‌نحوی هماهنگ و متناسب با هم چیده شده‌اند. تناسب موسیقایی واژه‌ها بر تمام اشعار او سایه افکنده و به آن‌ها انسجام و استحکام بخشیده است. از لحاظ موسیقی بیرونی، اشعار شفيعی بسیار غنی است. مهم‌ترین عامل غنای این موسیقی در اشعار شفيعی عنصر تکرار است که به انحای گوناگون همانند واج‌آرایی، تکرار یک مصراع، تکرار یک بند، تکرار یک کلمه و تکرار جمله نمود پیدا کرده است. وجود انواع جناس‌ها، مانند جناس زاید، اشتقاق، شبه‌اشتقاق، تام و صنایعی همانند طرد و عکس و نیز به اشعار او موسیقی خاصی بخشیده است. همان‌طور که عنصر موسیقی در شعر معاصر سبب برانگیختن عواطف می‌شود در نقاشی معاصر ایران نیز حضور تخیل نقش مهمی در برانگیختگی عاطفی دارد.

### اهداف پژوهش:

۱. بررسی موسیقی سروده‌های شفيعی کدکنی و تطبیق آن با تخیل در نقاشی معاصر ایران.
۲. بررسی میزان و بسامد انواع موسیقی در اشعار شفيعی کدکنی.

### سؤالات پژوهش:

۱. موسیقی در شعر شفيعی کدکنی و تخیل در نقاشی معاصر ایران چه جایگاهی دارد؟
۲. بسامد کدام یک از انواع موسیقی در شعر شفيعی کدکنی بیشتر است؟

**کلیدواژه‌ها:** شفيعی کدکنی، شعر، موسیقی، وزن، قافیه.

## مقدمه

توجه به مسائل سبک‌شناسی، از جمله موسیقی شعر، می‌تواند در شناخت بهتر یک شعر، کمک کند. موسیقی شعر، ریشه در نگاه فرمالیست‌های روسی در هنر دارد، زبان ادبی و شیوه پیکره‌بندی در شعر بر مبنای ویژگی‌های بلاغی، وزن، زبان آهنگین، خیال، استعاره و بسیاری نوآوری‌های غنایی در این ساختار می‌گنجد. فرمالیست‌ها پیش آنکه به محتوای شعر بپردازند، به زیبایی‌ها و ظرافت‌های ظاهری در کلام نظر دارند، در دیدگاه آن‌ها هر اندازه فرم و شکل ظریف‌تر و زیباتر باشد موجب غنای بیشتر محتوا خواهد شد. در موسیقی شعر واژگان و اصطلاحات قدیم و جدید که بنابراین در کنار هم قرار می‌گیرد، رستخیزی کلمات را در کلام به دنبال می‌آورد، رستخیزی که نوعی آهنگ و موسیقی را از دل واژگان و همچنین ترکیبات در همنشینی با هم، به خواننده یا شنونده القا می‌کند شعر موسیقایی نتیجه همین رستخیز کلمات است.

موسیقی شعر رکن اصلی است که موجب تمایز شعر و نثر می‌شود. موسیقی در انواع چهارگانه: موسیقی بیرونی (وزن عروضی) موسیقی کناری (ردیف و قافیه) موسیقی درونی (آرایه‌های لفظی) موسیقی معنوی (آرایه‌های معنوی) در شعر مطرح می‌شود. عناصر مهم شعر علاوه بر وزن و قافیه و ردیف که در قدیم ارکان اصلی شعر شمرده می‌شد، عنصر خیال و عاطفه است که در موسیقی معنوی تبلور می‌یابد و شامل آرایه‌های معنوی به‌ویژه تشبیه، استعاره، کنایه و مجاز است. از نظرگاه دیگری می‌توان به عناصری تأکید کرد که در ایجاد آهنگ در شعر مؤثرند. این عناصر شامل انواع تکرار هستند؛ مانند: واج‌آرایی، تکرار کلمه، تکرارهای شبکه‌ای، انواع جناس، سجع و ترصیع و موازنه. با توجه به این موارد بررسی اشعار براساس موسیقی باید با توجه به جنبه‌های مختلف آن صورت بگیرد. این چهار نوع موسیقی همچون چهار پایه تکیه‌گاه شعر هستند که کم و زیاد شدن هر یک از آن‌ها موجب ایجاد سبک شخصی شاعر است.

شفیعی کدکنی، شاعر معاصر، استاد زبان و ادبیات فارسی است که خود دارای تألیفاتی در زمینه شعر و شاعری و موسیقی شعر است و مسلماً در اشعار خویش، خودآگاهانه انواع موسیقی را لحاظ کرده است. شفیعی هم در عرصه غزل و هم در عرصه شعر نو طبع آزمایی کرده و در هر دو وادی موفق بوده است. با این حال، در شعر او سنت‌گرایی نیز موج می‌زند و این به دلیل پشتوانه فرهنگی ادبی اوست. «حضور طولانی در محضر ادیب و شیخ هاشم قزوینی، آمد و شد در محافل سنتی آن روز خراسان و غور و تأمل در متون کلاسیک عملاً شاعر را به طرف نوعی سنت‌گرایی سوق می‌دهد» (بشردوست، ۱۳۷۹: ۵۹). شفیعی از نظر ترکیب‌بندی هم گاهی به آشنایی‌زدایی روی آورده است و از ترکیبات تازه‌ای در شعر خود استفاده می‌کند. ترکیباتی که گاهی، از بیش از دو جزء تشکیل شده نیز در شعر وی فراوان به چشم می‌خورد. این نوع ترکیبات نیز ساخته خود شاعر است و تازگی دارد و ویژگی‌های سبک هندی را تداعی می‌کند. وی در زمینه نمادهای اسطوره‌ای نیز قوی عمل کرده و بسیاری از تلمیحات وی در باره‌ی شخصیت‌های اسطوره‌ای و تاریخی است. در کاربرد این نمادها به ترکیب‌سازی پرداخته و روش تلمیحی و اشاره‌ای را به کار گرفته است، که هر کدام از ویژگی‌ها در موسیقی شعر او بی‌تأثیر نبوده است. وزن اشعار شفیعی کدکنی در اشعار آزاد به شیوه نیمایی است که در آن‌ها ارکان عروضی کوتاه و بلند شده‌اند مانند این شعر که در بحر متقارب سروده شده است.

در این پژوهش به دنبال آنیم که موسیقی شعر در آثار شعری شناخته شده‌تر شفیعی کدکنی را بررسی نماییم. در این نگاه، هم به آثار قدیمی‌تر ایشان همچون: در کوچه‌باغ‌های نیشابور، بوی جوی مولیان، هزاره دوم، آهوی کوهی، آینه‌ای

برای صداها و هم آثار جدیدتر مانند: خطی ز دلتنگی، ستاره دنباله‌دار، در ستایش کبوترها، گل آفتابگردان و مرثیه‌ای برای سرو کاشمر پرداخته خواهد شد. همچنین تخیل در نقاشی معاصر ایران نیز بررسی می‌شود.

پیش از این، دو مقاله، پیرامون موسیقی شعر شفيعی کدکنی انجام شده است: فولادوند (۱۳۸۷) در مقاله «موسیقی درونی شعر شفيعی کدکنی»، ضمن توصیف کلی موسیقی شعر، برخی از اشعار شفيعی کدکنی را درج نموده و حروف موجد موسیقی را در آن‌ها توضیح داده که در حوزه واج‌آرایی می‌گنجد. به نظر مؤلف، در زمینه موسیقی درونی، شفيعی کدکنی موزون‌ترین و مناسب‌ترین آثار را در روزگار کنونی آفریده است. عمران‌پور (۱۳۸۳) در مقاله «موسیقی قافیه در شعرم. سرشک» محمد رضا شفيعی کدکنی «قافیه اشعار نیمایی شفيعی کدکنی بررسی شده است. نتیجه این است که وی در اشعار نیمایی خود قوافی فراوانی به کار برده است که ۸۸ درصد آن‌ها اسمی و ۱۲ درصد فعلی هستند. تمام اشعار دارای قافیه کناری‌اند و آرایش‌های بدیعی در قوافی دیده می‌شود. نمونه‌هایی که ذکر شد هر یک به جنبه‌هایی از موسیقی شعر شفيعی کدکنی پرداخته‌اند. در هیچ یک از این تحقیقات، انواع موسیقی مورد توجه نبوده است، بنابراین با این پژوهش همپوشانی ندارد.

روش تحقیق، توصیفی تحلیلی و براساس منابع کتابخانه‌ای است. از این‌رو ابتدا باید مبانی نظری تحقیق مطالعه و بررسی شود. تألیفات فراوانی به شکل کتاب و مقاله در زمینه موسیقی انجام شده که در این پژوهش از آن استفاده می‌شود. پس از مطالعه انواع موسیقی و فیش‌برداری از موارد مورد نیاز اشعار شفيعی مطالعه و فیش‌برداری می‌شود و انواع موسیقی در ابیات مشخص می‌گردد و پس از تحلیل آن، نتیجه با جدول و نمودار مشخص می‌شود.

## نتیجه‌گیری

بررسی موسیقی اشعار شفيعی نشان می‌دهد که تناسب موسیقایی واژه‌ها بر تمام اشعار او سایه افکنده و به آن‌ها انسجام و استحکام بخشیده است. از لحاظ موسیقی بیرونی، اشعار شفيعی بسیار غنی است. اکثر وزن‌هایی که او از آن‌ها استفاده کرده، وزن‌هایی هستند که بزرگان ادب فارسی آن‌ها را به کار برده‌اند و این حاکی از علاقه و آشنایی او با شعر بزرگان ادب فارسی و تسلطش بر عروض قدیم است؛ بحوری همانند بحر رمل، بحر مضارع، بحر متقارب، بحر هزج و... به ترتیب در اشعار شفيعی پرکاربردترین اوزان هستند. تنوع این اوزان حکایت از آن دارد که شفيعی به عروض سنتی نیک آگاه است و به خوبی از تنگنای وزنی بیرون آمده است. در کل اوزان شفيعی، بسامد وزن‌های ضربی به نسبت وزن‌های نرم و هموار خیلی کم است و این به خاطر محتوا و درون‌مایه اشعار اوست؛ زیرا طرح مسائل اجتماعی و انسانی اوزانی نرم را می‌طلبد. از لحاظ موسیقی درونی نیز اشعار شفيعی جایگاه ممتازی دارند. مهم‌ترین عامل غنای این موسیقی در اشعار شفيعی عنصر تکرار است که به انحای گوناگون همانند واج‌آرایی، تکرار یک مصراع، تکرار یک بند، تکرار یک کلمه و تکرار جمله نمود پیدا کرده است. در بیشتر موارد عنصر تکرار شونده هسته مرکزی شعر است و حکایت از تأکید شاعر بر معنا و مفهومی خاص دارد و در القای افکار و اندیشه شاعر نقشی مؤثر ایفا کرده است. وجود انواع جناس‌ها، مانند جناس زاید، اشتقاق، شبه‌اشتقاق، تام و صنایعی همانند طرد و عکس و نیز به اشعار او موسیقی خاصی بخشیده است. از طرفی، قافیه و ردیف نیز در موسیقایی کردن اشعار او نقشی به‌سزا ایفا کرده‌اند. او بر طبق اصول و مبانی زیبایی‌شناسی شعر نو هرگاه لازم‌دیده از قافیه استفاده کرده و هرگاه نیازی بوده ردیف را هم برای تکمیل اشعار خودش به کار برده و با این شیوه، موسیقی کناری اشعار خودش را نیز غنی کرده است وجود قافیه‌های درونی نیز در

کنار قافیه‌های پایانی و هم‌آوایی آن‌ها با ردیف‌ها، تناسب موسیقی اشعار او را بالا برده است. در مورد ردیف نیز بیشتر ردیف‌هایی که شفيعی از آن‌ها بهره گرفته، علاوه بر عامل موسیقایی، به تبعیت از قافیه آورده شده‌اند تا خلاء وزنی شعر پر شود و در اشعاری که قافیه به‌تنهایی خلاء وزنی را پر کرده، شاعر از آوردن ردیف خودداری کرده است. بیشتر این ردیف‌ها، ردیف فعلی است و از میان انواع فعل‌ها فعل ربطی «است» بیشترین بسامد را دارد. در هر صورت، تسلط شفيعی بر موسیقی درونی، بیرونی و کناری، در بافت آوایی شعر او مؤثر بوده و باعث شده تا اشعارش از لحاظ ساختاری، استوار و محکم باشند. در نقاشی معاصر ایران نیز عنصر تخیل نقشی مانند موسیقی در شعر ایفا کرده و سبب زیبایی این هنر شده است.

### فهرست منابع و مآخذ

- آشوری، داریوش. (۱۳۶۶). پیامی در راه. چ ۳، تهران: طهوری.
- احمدنژاد، کامل. (۱۳۷۲). فنون ادبی. تهران: پایا.
- افراشی، آریتا. (۱۳۹۱). «بررسی تطبیقی استعاره‌های مفهومی جهتی در زبان اسپانیایی و فارسی». فصلنامه پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی دوره ۳، ش ۴، ۱۲، ۲۳-۱.
- بیابانی، احمدرضا و طالبیان، یحیی. (۱۳۹۱). «بررسی استعاره جهت‌گیرانه و طرح‌واره‌های تصویری در شعر شاملو». پژوهشنامه نقد ادبی، دوره ۱، ش ۱، ۱۲۶-۹۹.
- پورنامداریان، تقی. (۱۳۸۱). سفر در مه. تهران: نگاه.
- تجلیل، جلیلی. (۱۳۸۵). معانی و بیان. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ثروتیان، بهروز. (۱۳۸۷). بیان در شعر فارسی. تهران: سوره مهر.
- دهکردی، داریوش؛ رحیم‌لو، سمیه. (۱۳۹۳). «تخیل و تجسم در منظره‌پردازی معاصر ایران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء، تهران.
- راسل هینلز، جان. (۱۳۸۳). شناخت اساطیر ایران. ترجمه و تألیف: باجلان فرخی، تهران: اساطیر.
- روشن، بلقیس و اردبیلی، لیلا. (۱۳۹۲). مقدمه‌ای بر معناشناسی شناختی. تهران: علم.
- زرین‌کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۴). شعر بی‌دروغ شعر بی‌نقاب. تهران: جاویدان.
- شرفی، فیض. (۱۳۹۳). شعر زمان ما، شعر شفيعی کدکنی از آغاز تا امروز. تهران: نگاه.
- شفيعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۲). صورخیال در شعر فارسی. چ ۵، تهران: آگاه.
- (۱۳۷۶). آیین‌های برای صداها. تهران: سخن.
- (۱۳۷۸). هزاره دوم آهوی کوهی. تهران: سخن.
- (۱۳۸۸). هزاره دوم آهوی کوهی. تهران: سخن.
- شفيعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۷). «شعر آغازی». بخارا، ش ۱۱، ۱-۱۳.

شمیسا، سیروس. (۱۳۷۶). کلیات سبک‌شناسی. چ ۲، تهران: فردوس.

----- (۱۳۷۹). بیان و معانی. تهران: فردوس.

----- (۱۳۸۱). بیان و معانی. تهران: فردوس.

کزازی، میرجلال‌الدین. (۱۳۷۰). زیباشناسی سخن فارسی. تهران: مرکز.

هاشمی، زهره. (۱۳۸۹). «نظریه استعاره مفهومی از دیدگاه لیکاف و جانسون». ادب پژوهی، ش ۱۲، ۱۴۰-۱۱۹.